

کانسپت و معماری و سایر قضایا

می توان گفت کانسپت ها ، ایده هایی هستند که عناصر گوناگونی را در یک جا گرد هم می آورند . این عناصر گوناگون در متن این نوشتار تفکرات، تصورات و مشاهدات هستند . در معماری کانسپت مسیری است که طی آن نیاز های فیزیکی شرایط محیطی و باورها به هم می پیوندند و به این ترتیب کانسپت ها بخش مهمی از روند طراحی معماری را شکل می دهند . همیشه کانسپت ها توسط معماران پدید نمی آیند، شاید بهترین نمونه ی این موضوع پاسخ لوکوربوزیه به کانسپت مورد نظر کارفرما در ساختمان کارگاههای چوب در مرکز هنرهای بصری در دانشگاه هاروارد باشد. این مرکز یک بخش دانشجویی است که نه تنها برای دانشجویان رشته های هنر، بلکه برای سایرین هم قابل استفاده است. کانسپت مورد نظر مسئولان دانشگاه این گونه بود که اگر دانشجویان بیشتری از فعالیت های مرکز باخبر باشند و بتوانند جریان کار و زندگی درون آن را مشاهده کنند، آنگاه شرکت و حضور آنها در کارگاهها محتمل تر خواهد بود و لوکوربوزیه این کانسپت را به اجرا در آورد. بدین صورت او از درون مسیر عبور پیاده ی موجود در سایت، رمپی طراحی کرد که مانند تونلی از درون ساختمان عبور می کرد و امکان مشاهده ی بسیاری از استودیوها و کارگاهها را فراهم می آورد.

لویی کان تغییرات آفتاب در فصول مختلف و همچنین در طول یک روز را عاملی بسیار با اهمیت ، در راستای تکمیل یک اثرشایسته می داند. کان در طراحی یک گالری ، تلاش کرده است تا این کیفیت متغیر آفتاب را به درون بنا بکشانند. پنج واژه ای که در پی می آید مترادفهایی برای جستجوی کانسپت هستند که توسط بسیاری از معماران بیان می شود. ۱- اندیشه های معمارانه ۲- نگاره ها ۳- ایده های فرا سازمانده ۴- سارتی (اخلاق) ۵- فن معمارانه خاص مانند نور آفتاب ، فضا، ترتیب فضاها، همبستگی فرم سازه و یا نحوه ی قرار گیری در منظری به خصوص، که هر کدام می توانند بر روند طراحی بنا تاثیرگذار باشند. مثلا ایده های فرا سازمانده مرتبط با ترکیب بندی هندسی و سلسله مراتب کلی بخشهای مختلف پروژه می باشد. طراحی شهری و طراحی محیط های دانشگاهی مثالهای شفاف و واضحی هستند که در آنها یک الگوی کلی نظم دهنده ایجاد شده و به تدریج تکمیل می شود. یک ایده ی فرا سازمانده به قسمتهای مختلف تا جایی که نظام کلی باشد، اجازه تنوع و تغییر خواهد داد. طرح تامس جفرسون برای دانشگاه ویرجینیا یک نمونه ی خوب برای این مطلب است. هدف ایده ی فرا سازمانده در اینجا این بود که با ایجاد سازه ای کافی امکانی به وجود آید که در آن هر یک از بخشها ضمن آن که خصوصیات شخصی دارند، همانطور هم مانع کل باشند. در طرح جفرسون این مسئله کاملا به اجرا در آمده به صورتی که اگر چه یک نظام کلی مشهود است، اما هریک از بناها هویت مخصوص خود را دارا هستند. در قرن ۱۹ میلادی در مدرسه بوزار فرانسه روش آموزش متفاوتی شکل گرفته که اسکیس و طرح خام از فرآورده های مفهومی و گرافیکی آن هستند. در این روش، دانشجویان باید توانایی ارائه مفهومی خود

را به سطوح بالا ارتقاء می دادند. از آنها خواسته می شد تا ابتدا کانسپت و طرح اولیه را در چند ساعت ابتدایی کاربری پروژه مشخص کنند و تا انتها به این طرح وفادار بمانند. به عقیده ی بارنز ، کانسپت یک پروژه باید حتی با یک طراحی ساده روی یک دستمال کاغذی هم قابل بیان و ارائه باشد. به شکلی که در این دیاگرام اولیه به وضوح شفافیت ساختمان تمام شده را بتوان روی همان دستمال کاغذی مشاهده کرد. به گفته ی ، یک بنا باید دارای طرح قوی و معمارانه ، نه مجسمه شکل ، و نه نقاشی وار ، باشد، طرحی که مرتبط با فعالیت درون ساختمان باشد. وقتی از یک معمار سوال می شود که روی چگونه ساختمانی کار میکنی، او باید بتواند به سرعت طرحی ذهنی یا دیگری از ایده ی معمارانه خود ارائه کند. شکل گیری کانسپت پدیده ی خودبه خودی نیست، بلکه نیازمند تلاش متمرکز برای گرد آوری و ترکیب مسائل مختلف است. متأسفانه بسیاری از دانشجویان در ترسیم و طراحی ایده ی مورد نظر خود اکراه دارند. در معماری هر آنچه قرار است ساخته شود، باید ابتدا ترسیم گردد. پروسه ی ترسیم و طراحی باید در مراحل ابتدایی کار آغاز شود تا طرح پیشنهادی و کانسپت آن دائماً نقد و اصلاح شود. مشکل برقراری ارتباط بین یک ساختمان منسجم در ذهن و طراحیهای اولیه بین همه دانشجویان عمومیت دارد.